

# نخستین گفتار کردگار اینست با سینه پاک از خواهش و آایش و دل پاکیزه...

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



رقم (27) - من آثار حضرت بهاءالله - کتاب اشراقات - صفحه 274  
- 278

( 27 )

## بنام آنکه بیم از اوست و امید از او

نخستین گفتار کردگار اینست با سینه پاک از خواهش و آایش و دل پاکیزه از رنگهای آفرینش پیش دانا و بینا و توانا بیائید و آنچه سزاوار روز اوست بیارید امروز روز دیدار است چه که یزدان بی پرده پدیدار و آشکار بجان پاک بشتابید شاید برسید و آنچه سزاوار است پی برید از آب پرهیزکاری خود را از آز و کردارهای ناشایسته پاک نمائید تا راز روز بی نیاز را بیابید روشنی نخستین در روز پسین پدیدار بسه چیز دیدار دست دهد و رستگاری پدیدار شود پاکی دل و دیده و پاکی گوش از آنچه شنیده بگو ایدوستان راه نما آمد گفتارش از گفتارها پدیدار و راهش میان راهها نمودار راه راه اوست بیابید و گفتار گفتار اوست بشنوید امروز ابر بخشش یزدان میبارد و خورشید دانائی روشنی میبخشد و بخود راه مینماید جوانمرد آنکه راههای گمان را گذاشت و راه خدا گرفت ایدوستان دست توانای یزدان پردهای گمان را درید تا چشم به بیند و گوش از شنیدن باز نماند امروز روز شنیدن است بشنوید گفتار دوست یگارا و آنچه سزاوار است رفتار نمائید از گفتار پارسی بگفتار تازی آغاز نمودیم



ORIGINAL

يا ايها المقبل اسمع النداء انه ارتفع في سجن عكاء و يدع العباد الى الله مالک الايجاد تفكر فيما ظهر لترى ما لا  
رأت عين الابداع ان ربك هو العزيز الفضال اياك ان يمنعك ما في العالم عن مالک القدم دع الظنون و  
مظاهرها و الاوهام و مشارقتها مقبلا الى الله مالک المبدء و المآب هذا يوم البصر لان المنظر الاكبر تشرف بانوار  
ظهور مالک القدر الذى اتى من سماء البيان بالحجة و البرهان و هذا يوم السمع قد ارتفع فيه صرير القلم الاعلى بين  
الارض و السماء اسمع و قل لك الحمد يا مقصود العالم و لك الثناء يا مالک الرقاب

يا ايها السائل امروز نور ناطق و نار متكلم و خورشيد حقيقى مشرق جهد نما شايد فائز شوى بآنچه سزاوار يوم الله  
است اگر در آنچه ظاهر شده تفكر نمائى خود را غنى و مستغنى از سؤال مشاهده كنى حق مقدس است از ظنو  
ن و اوهام و مشيت و اراده انام با علم يفعل ما يشاء و راية يحكم ما يريد آمده حجت و برهان فوق مقامات اهل  
امكان ظاهر فرموده آياتش در كتب و زبر و الواح موجود و مشهود و بيناتش در سور ملوك و رئيس ظاهر و  
هویدا ليس لاحد ان يجرب الرب انه يمتحن العباد كيف يشاء اگر فى الحقيقه ببصر انصاف در آنچه ذكر نموديم  
مشاهده نمائى و بسمع عدل اصغا كنى بكمه مباركه رجعت اليك يا مولى العالم منقطعا عن الامم ناطق شوى  
بشنو ندای مظلوم را قدم از مقامات و ظنون و اوهام اهل امکان بردار و بر لا مكان گذار لتسمع تغردات طيور  
العرش و تغنيات عنادل العرفان على اعلى الاغصان نسل الله ان يؤيدك و يوفقك على ما يحب و يرضى انه مولى  
الورى و رب العرش و الثرى لا اله الا هو الفرد الواحد العليم الحكيم اذا اخذك جذب البيان من الافق الاعلى  
قل الهى الهى اشهد بوحدانيتك و فردانيتك و بعزك و عظمتك و سلطانتك انا عبدك و ابن عبدك قد اقبلت  
اليك منقطعا عن دونك و راجيا بدائع فضلک اسئلك بامطار سحاب سماء كرمك و باسرار كتابك ان تؤيدنى  
على ما تحب و ترضى اى رب هذا عبد اعرض عن الاوهام مقبلا الى افق الايقان و قام لدى باب فضلک و  
فوض الامور اليك و توكل عليك فافعل به ما ينبغى لسماء جودك و بحر كرمك انك انت المقتدر العليم  
الحكيم اشهد يا الهى بانك اعلم بى منى قدر لى ما يقربنى اليك و ينفعنى فى الآخرة و الاولى انك انت مولى  
الورى و فى قبضتك زمام الفضل و العطاء لا اله الا انت الفضال الكريم البهء على اهل البهء الذين ما منعهم  
ضوضاء الامم عن مالک القدم قاموا و قالوا الله ربنا و رب العرش العظيم